

دیک دیویس

حشاگری درماع

جستارهایی درباره‌ی

ترجمه‌ی ادبیات کلاسیک پارسی به انگلیسی

ترجمه‌ی مصطفی حسینی



دیک دیویس

خنیاگری در باغ

جستارهایی درباره‌ی
ترجمه‌ی ادبیات کلاسیک پارسی به انگلیسی

ترجمه‌ی

مصطفی حسینی



سرشناسه: دیویس، دیک، ۱۹۴۵ - م. Davis, Dick
عنوان و نام پدیدآور: خنیاگری در باغ: جستارهایی درباره‌ی ترجمه‌ی ادبیات کلاسیک پارسی به انگلیسی /
دیک دیویس؛ ترجمه‌ی مصطفی حسینی.
مشخصات نشر: تهران: آگه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۷۱ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س. م.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۹-۴۰۳-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
یادداشت: کتاب حاضر ترجمه‌ی گفت‌وگوهای پرفسور دیک دیویس است که در مجلات و نشریات مختلف
منتشر شده است.
یادداشت: کتابنامه.
عنوان دیگر: جستارهایی درباره‌ی ترجمه‌ی ادبیات کلاسیک پارسی به انگلیسی.
موضوع: شعر فارسی - ترجمه شده به انگلیسی - تاریخ و نقد
موضوع: Persian poetry--Translations into English-- History and criticism
شناسه افزودن: حسینی، مصطفی، ۱۳۵۲ - مترجم
رده‌بندی کنگره: PIR ۳۵۵۱
رده‌بندی دیویی: ۸۱۰/۰۰۹
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۵۸۲۱۰۰۲



دیک دیویس

خنیاگری در باغ: جستارهایی درباره‌ی ترجمه‌ی ادبیات کلاسیک پارسی به انگلیسی
ترجمه‌ی مصطفی حسینی
چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: ۱۳۹۸: آماده‌سازی، حروف‌نگاری و نظارت بر چاپ: دفتر نشر آگه
(ویراستاران: سلمان احمدوند، محمد نبوی)
چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان
شمارگان: ۵۵۰ نسخه
همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

نشر آگه

تهران، خیابان بزرگمهر، تقاطع خیابان فلسطین، شماره‌ی ۲۲
تلفن ۶۶۴۶۳۱۵۵ و ۶۶۹۷۴۸۸۴
ایمیل info@agahpub.com
اینستاگرام @agahpub
فروش اینترنتی agahpub.com

قیمت: ۲۶,۰۰۰ تومان

برای امیر و ارمغانِ عزیزم

یاد و سپاس

خیناگری در باغ مجموعه‌ای است از جستارها و گفت‌وگوهای پرفسور دیک دیویس درباره‌ی ترجمه‌ی شعر کلاسیک پارسی به انگلیسی، که در چند سال اخیر در مجلات و نشریات مختلف به چاپ رسیده‌اند. عنوان کتاب برگرفته از یکی از مقاله‌های این مجموعه درباره‌ی ترجمه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی به انگلیسی است. محور مشترک این نوشتارها و گفتارها چندوچون ترجمه‌ی شعر کلاسیک پارسی به انگلیسی است. سخت آرزو مندم که این مجموعه «مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود». در تهیه‌ی و ترجمه‌ی این مجموعه از الطاف چند تن از دوستان و عزیزان برخوردار بوده‌ام - به تعبیر خواجه‌ی شیراز، «کوشش آن حق‌گزاران یاد باد». اول از همه، پرفسور دیویس که گشاده‌دستانه متن اصلی برخی از جستارها را در اختیارم نهادند. ایشان هم‌چنین ترجمه‌ی پاره‌ای از این جستارها را خواندند و تشویق‌ها فرمودند. ازو صمیمانه قدردانی می‌کنم. مثل همیشه دوست و ویراستارم، سلمان احمدوند، سطر سطر این جستارها را از آغاز تا انجام با دقت مثال‌زدنی ویراستند. ازو قلباً تشکر می‌کنم. دیگر دوستم عاطفه یزدانی‌تبار، با حوصله‌ای ستودنی، پاره‌ای از این جستارها را با متن اصلی مقابله، و پیشنهادهای مفیدی عرضه نمودند، ازو نیز سپاس‌گزاری

می‌کنم. از مدیر محترم نشر آگه که موجبات انتشار این اثر را فراهم آوردند، تشکر می‌کنم.

شکر که این نامه به پایان رسید

مصطفی حسینی

همدان - بهار ۱۳۹۶

فهرست

- ۱۱ مقدمه‌ی مترجم دیک دیویس: آرتور ویلی ادبیات پارسی
- ۳۱ **جستارها**
- ۳۳ تاریخ مختصر ترجمه‌ی ادبیات پارسی به انگلیسی در قرن نوزدهم
- ۴۷ در باب ترجمه‌ی اشعار کوتاه پارسی
- ۶۳ ادوارد فیتزجرالد، عمر خیام، و سنت ترجمه‌ی منظوم به انگلیسی
- ۸۵ در باب ترجمه‌ی اشعار غنایی پارسی
- ۹۳ در ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ
- ۱۰۹ خنیاگری در باغ: در باب ترجمه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی
- ۱۲۵ تراژدی سهراب و رستم ترجمه‌ی جروم کلینتن
- ۱۳۳ **گفت‌وگوها**
- ۱۳۵ نرد عشق با شعر کلاسیک پارسی
- ۱۵۹ فردوسی: شاعری فراتر از قالب‌های معمول
- ۱۶۷ حافظ: بزرگ‌میراث‌دار هنر شاعری پارسیان

مقدمه‌ی مترجم دیک دیویس: آرتور ویلی ادبیات پارسی

دیک دیویس استاد ممتاز زبان و ادبیات کلاسیک پارسی دانشگاه دولتی آهایو، شاعر، محقق، و مترجمی چیره‌دست است و در این سه حوزه خالق آثار ارزشمند و خواندنی. پرداختن بایسته به این حوزه‌ها نیازمند جستاری مستقل در باب هر یک است. موضوع جستار حاضر بررسی هنر ترجمه‌ی دیویس، آن‌هم فقط از فارسی به انگلیسی است، چرا که او از زبان ایتالیایی نیز آثاری را به انگلیسی ترجمه کرده است. بی‌گمان، دیویس در عداد آن دسته از مترجمان کامیابی است که «کارنامه‌ی درخشانی در کار ترجمه‌ی متون ادبی از فارسی به انگلیسی دارد» (امامی، ص. ۳۹۳). ابتدا، به اختصار زندگی‌نامه و در ادامه ترجمه‌های او را مرور می‌کنیم.

دیک دیویس در سال ۱۹۴۵ در پورتموث، شهری ساحلی در جنوب انگلستان، به دنیا آمد. اما بیشتر دوران خاطره‌انگیز کودکی‌اش را در دهی کوچک نزدیک مرز اسکاتلند گذراند. دیویس در آن‌جا به مدرسه رفت. معلم ادبیات مدرسه او را به خواندن و سرودن ترغیب کرد. دیویس بعدها با تشویق همین معلم به دانشگاه کیمبریج رفت و ادبیات انگلیسی خواند. او مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشدش را به ترتیب در ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ در رشته‌ی ادبیات انگلیسی از دانشگاه کیمبریج، و دکترایش را در ادبیات

کلاسیک پارسی در سال ۱۹۸۸ از دانشگاه منچستر دریافت کرد. وی در دانشگاه‌های متعددی مثل کالیفرنیا، نیوکاسل، دورهام، و تهران تدریس کرده، و از سال ۲۰۱۲ استاد ممتاز بازنشسته‌ی ادبیات فارسی و ایران‌شناسی دانشگاه دولتی اوهایوی آمریکاست.

شیفتگی مادر به کتاب و شعر، دیویس نوجوان را نیز به شعر و شاعری علاقه‌مند ساخت، چنان‌که پیش از ورود به دانشگاه با آثار بسیاری از شاعران بزرگ انگلیسی آشنا شد. یکی از کتاب‌های کتابخانه‌ی کوچک مادرش، رباعیات عمر خیام ترجمه‌ی فیتزجرالد، او را با دنیای شگفت‌انگیز شعر کلاسیک پارسی آشنا کرد: «یکی از کتاب‌های خیلی عزیز دوره‌ی بچگی من ترجمه‌ی رباعیات خیام به قلم فیتزجرالد بود. برای چند سال این ترجمه را از حفظ داشتم و فکر می‌کنم بیش‌ترش را هنوز از حفظ دارم» (دهباشی، ص. ۱۴۹). سال‌ها بعد که دیویس به ایران آمد، معشوقی دیرین دیگر بار چهره نمود و او را با خود به جهان شکوه‌مند شعر کلاسیک پارسی برد: «اهمیت شعر در فرهنگ ایرانی چیزی بود که وقت آن را کشف کردم برایم خیلی جذاب بود؛ شعر فارسی یکی از عواملی بود که مرا در ایران ماندگار کرد» (کتاب حاضر، ص. ۱۳۷). این علاقه او را بر آن داشت تا در سال‌های حضور خود در ایران از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ به تحقیق و تتبع در گستره‌ی درازدامن ادب دیرینه‌روز پارسی اهتمام ورزد. هم در این سال‌ها بود که شریک زندگی‌اش را، بانو افخم دربندی، از سرزمینی که به ادبیات آن دل‌باخته بود برگزید و در سال ۱۹۷۴ با وی ازدواج کرد. پس از ترک ایران، «عشق به شعر فارسی که بر اثر خواندن نخستین جلد مثنوی معنوی در او شکوفا شده بود، دیویس را بر آن داشت تا به تحصیل در مقطع دکترای ادبیات کلاسیک فارسی در دانشگاه منچستر انگلستان بپردازد» (فرهادی، ص. ۱۳۵).

دیویس آثار متعددی را از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده که به ترتیب زمانی عبارت‌اند از: ۱) منطق‌الطیر عطار نیشابوری (۱۹۸۴)، ۲) داستان

سیاوش (۱۹۹۲)، ۳) رمان دایی‌جان ناپلئون ایرج پزیشک‌زاد (۱۹۹۶)، ۴) اسبابِ عاربتی: اشعار کوتاه کلاسیک فارسی (۱۹۹۷)، ۵) شاهنامه‌ی فردوسی (۲۰۰۶)، ۶) ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (۲۰۰۷)، ۷) موش و گربه‌ی عبید زاکانی (۲۰۰۸)، و ۸) صور عشق: حافظ و شاعران شیراز (۲۰۱۲). وی هم‌چنین مدخل‌های متعددی را برای دانشنامه‌ی ایرانیکا - مثلاً مدخل‌های «ادوارد فیتزجرالد»، «ویس و رامین» - و دایره‌المعارف اسلام نوشته است. بر این‌ها باید کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی را درباره‌ی ادبیات انگلیسی نیز افزود. از آن جمله است: تصحیح مجموعه اشعار شاعر عارف مسلک انگلیسی توماس تراهرن (۱۹۸۰) و رباعیات عمر خیام ترجمه‌ی فیتزجرالد (۱۹۸۹). دیویس بر ترجمه‌ی فیتزجرالد مقدمه، حواشی و تعلیقات بسیار سودمندی افزوده است. این کتاب طی هفت سال به چاپ پنجم رسید.

ترجمه‌ها

۱) منطق الطیر. دیویس به کمک همسرش، افخم دربندی، در گام نخست منطق الطیر عطار را به انگلیسی ترجمه کرد. این ترجمه تقریباً ۴۵۰۰ بیت دارد، و انجام آن دو سال به درازا کشید. این نخستین بار نبود که منطق الطیر به انگلیسی ترجمه می‌شد، پیش‌تر نیز کسانی در این راه قدم نهاده بودند: الف) ادوارد فیتزجرالد (انجمن مرغان، اولین بار با عنوان گزیده‌ای از انجمن مرغان عطار^۱، ۱۸۸۹). این ترجمه محذوفات فراوانی دارد و فقط یک سوم متن عطار را شامل می‌شود. ب) ر. پ. مسنی^۲ (۱۹۲۴). ترجمه‌ی مسنی، محقق‌ی هندی، از ترجمه‌ی فیتزجرالد کامل‌تر و وفادارتر است. برخلاف ترجمه‌ی فیتزجرالد، این ترجمه به نثر است، اما نثر مسنی چندان روان و

1. *A Birds Eye-View of Farid-uddin Attar's Bird Parliament*

2. R. H. Masani

سلیس نیست و با حذفیاتی نیز همراه است. ج) مارگرت اسمیت (۱۹۳۲). ترجمه‌ی اسمیت در کتاب عرفای ایرانی: عطار^۱ (صفحه‌های ۳۴-۶۴)، به سال ۱۹۳۲ در لندن منتشر شد. این ترجمه نیز منثور است و چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید، شامل گزیده‌هایی از منطق‌الطیر است. د) چارلز استنلی نات^۲ (۱۹۵۴)، چاپ دوم برکلی (۱۹۷۱). این ترجمه نیز به نشر است و افزون بر داشتن محذوفات، به دلیل آن‌که نات فارسی نمی‌دانست، بر اساس ترجمه‌ی فرانسوی گارسن دو تاسی^۳ است.

ترجمه‌ی دیویس به نظم و بر اساس منطق‌الطیر عطار تصحیح دکتر سید صادق گوهرین (۱۳۴۹) است. در ترجمه‌ی یک منظومه به انگلیسی، مترجم می‌تواند یکی از دو قالب عروضی شعر سپید یا مثنوی، دو قالب سنتی منظومه‌سرایسی انگلیسی، را برگزیند. دیویس قالب مثنوی انگلیسی^۴ را برای ترجمه‌ی خود برگزید زیرا که شباهت زیادی به قالب مثنوی فارسی دارد؛ به علاوه در این قالب مانند مثنوی فارسی هر دو مصرع مقفّی هستند. ترجمه‌ی دیویس نیز با دخل و تصرفاتی همراه است. او آغاز (۶۱۶ بیت، صص. ۷۹-۱۰۳) و انجام (۲۴۲ بیت، صص. ۲۶۷-۲۷۷) منطق‌الطیر را که مطابق تصحیح دکتر شفیعی‌کدکنی جمعاً ۸۵۸ بیت، یعنی نزدیک به یک پنجم کل کتاب را، حذف کرده است؛ گویی آن را برای خواننده‌ی غربی ضروری نمی‌دانسته است. دیویس به جای این دو بخش مقدمه و مؤخره‌ای به کتاب افزوده که برای خواننده‌ی غربی مفید و ضروری است. بر این افزوده‌های دیویس ایرادهایی وارد است که استاد حشمت مؤید در کتاب‌گزاری‌اش بر این ترجمه آن‌ها را برشمرده است. ترجمه‌ی دیویس با حُسن اقبال فراوانی رو به رو بوده و ناشر معتبری، انتشارات پنگوئن، آن را به زیور چاپ آراسته است. به قولی «ترجمه‌ی منطق‌الطیر شاهکاری است در ترجمه‌ی ادبیات کلاسیک فارسی

1. Margaret Smiths *The Persian Mystics: Attar*

2. Charles Stanley Nott

3. Garcin de Tassy

4. heroic couplet

به انگلیسی در سال‌های اخیر. امتیاز این ترجمه ... این است که به زبان انگلیسی روشنیِ امروزین درآمده است» (پارسی‌نژاد، ص. ۲۳). به علاوه، منتقدی آن را بهترین ترجمه‌ی انگلیسی شعر کلاسیک فارسی «که از زمان رباعیات فیتزجرالد تا کنون صورت گرفته است» برشمرده است (بنانی، ۵۶۹). صاحب‌نظری نیز آن را ترجمه‌ای شیرین و گیرا توصیف کرده که در مواردی گاه به لحاظ سبک بر اصل برتری دارد (یارشاطر، ص. ۷۱۳). گفتنی است که تازه‌ترین ترجمه‌ی منطق‌الطیر بیگردان بیت به بیت و تحت‌اللفظی پیتر ایوری زیر عنوان سخن مرغان^۱ (۱۹۹۸) است.

منطق‌الطیر دیویس ترجمه‌ی زیبا و وفاداری است، اما زیبایی بر وفاداری می‌چربد: «بیشتر از همه، می‌خواستم شعر خوب و روانِ انگلیسی بنویسم و سعی کردم به شعر و معنی عطار هم وفادار بمانم، ولی این نگرانی اولم نبود ... [زیرا] آن موقعی که منطق‌الطیر را ترجمه کردم جوان بودم و زیبایی را بیشتر دوست داشتم» (خیزاعی‌فر، ص. ۲۴). در سال ۲۰۱۱ انتشارات پنگوئن منطق‌الطیر دیویس را بازچاپ کرد. این چاپ جدید شامل کل منطق‌الطیر، از جمله مقدمه و موخره‌ی محذوف چاپ اول است.

۲) داستان سیاوش^۲ (۱۹۹۲). «داستان سیاوش» از شاهنامه‌ی فردوسی دومین ترجمه‌ی دیویس از ادبیات کلاسیک فارسی بود که انتشارات پنگوئن آن را در سال ۱۹۹۲ منتشر کرد. دیویس برای نگارش رساله‌ی دکتری خود زیر عنوان «تضاد پدر-پسر و پادشاه-رعیت در شاهنامه»، ابتدا تمام شاهنامه را خواند که این خود دو سال طول کشید. او بعدها این رساله را، البته با افزودن کاست‌هایی، در قالب کتابی با عنوان حماسه و آشوب^۳ منتشر

1. *The Speech of the Birds, Concerning Migration to the Real. The Mantiq t-Tair.* 2. *The Legend of Seyavash*

3. *Epic and Sedition*

کرد. این اثر «نه تنها کتابی بلیغ و خوش منطقی در تحلیل شاهنامه و نمودن مایه‌های اساسی آن است، بلکه کوشش کامیابی هم در نشان دادن اهمیت شاهنامه و هنر ادبی آن به مردم مغرب زمین است» (یارشاطر، ص. ۷۲۲). امین بنانی این اثر دیویس را «حماسه و نافرمانی» نامیده، و آن را بهترین کتابی برشمرده که در سالیان اخیر درباره‌ی شاهنامه در غرب نوشته شده است (بنانی، ص. ۷۲۵). شاهنامه‌پژوه نامدار، دکتر محمود امیدسالار، نیز با وجود مردود دانستن برخی دیدگاه‌های دیویس، کتاب او را می‌ستاید: «... سهوهایی از این دست در سراسر کتاب وجود دارد. درست است که این سهوها آزاردهنده‌اند، اما از اهمیت تفاسیر و نگاه‌های نوآورانه‌ی دیویس نمی‌کاهد. این کتاب هنوز هم این اصیل‌ترین و لذت‌بخش‌ترین کتاب درباره‌ی شاهنامه به انگلیسی است» (امیدسالار، ص. ۲۴۳).

دیویس «داستان سیاوش» را به شعر آهنگین اما بدون قافیه ترجمه کرد. پیش از این، ترجمه‌های کامل و ناقصی به نظم و نثر از تمام یا گزیده‌ی شاهنامه به زبان انگلیسی وجود داشت. دیویس، به گفته‌ی خود، به برخی از آن‌ها مانند ترجمه‌ی ژول مول، برادران وارنر، و روبن لوی نیز مراجعه کرده است. اما ترجمه‌ی درخشان او از لون دیگری است: روان، آهنگین، و جذاب. این ترجمه «به‌حق در بعضی از دانشگاه‌های [انگلیسی‌زبان] از کتاب‌های درسی ادبیات شرق است... ترجمه‌ی موزون او (که‌ای کاش آن را مقفی هم ساخته بود) بهترین برگردان انگلیسی پاره‌ای از شاهنامه است که در دست داریم» (بنانی، ص. ۵۶۹). دیویس بعدها با بیانی حسرت‌آمیز در باب این ترجمه چنین گفت: «چند سال پیش داستانی از شاهنامه، داستان سیاوش، را به شعر سپید ترجمه کردم، اگرچه مُنکر ارزش‌های آن نیستم، اما ای کاش آن را به نظم ترجمه می‌کردم، زیرا شاهنامه سراسر منظوم است و مترجمی که در صدد برگردان ظرایف صوری متن اصلی است باید قالب نظم را برگزیند» (دیویس، ۱۳۹۵). ترجمه‌ی دیویس افزون بر وفاداری تام به سخن جادوانه‌ی فردوسی، از زیبایی و روانی چشمگیری

نیز برخوردار است. او کوشیده است که امانت‌داری و زیبایی را توأمان حفظ کند.

۳) دای‌جان ناپلئون (۱۹۹۶). دیویس که با ادبیات معاصر، خاصه شعر، میانه‌ی خوبی ندارد، برای سوّمین کار به سراغ یک رمان رفت، رمان طنزآمیز دای‌جان ناپلئون^۱ به قلم ایرج پزشک‌زاد. پزشک‌زاد این کتاب را در سال ۱۳۴۹ خورشیدی نوشت. پس از آن ناصر تقوایی^۲ در سال ۱۳۵۵، با ساختِ یکی از ماندگارترین سریال‌های تلویزیونی چند دهه‌ی گذشته، بر پایه‌ی این رمان و در مجموعه‌ای به همین نام، شهرتِ آن را به اوج رساند. دیویس دای‌جان ناپلئون را برجسته‌ترین و عامه‌پسندترین رمان ایرانی پس از جنگ جهانی دوّم می‌داند. انتشارات میج^۳ در سال ۱۹۹۶ کتاب را منتشر کرد و انتشارات رندم هاوس^۴ در سال ۲۰۰۶ آن را تجدید چاپ کرد. دیویس این اثر را به دو دلیل برگزید. نخست این که شیفته‌ی آن بود و می‌خواست توانایی‌های خود را در ترجمه‌ی اصطلاحات عامیانه‌ی فارسی به انگلیسی بیازماید: «از این کار خوشم می‌آید. اما کار دشواری است. چون خیلی از شخصیت‌های این رمان با اصطلاحات بسیار عامیانه صحبت می‌کنند و پیدا کردن اصطلاحات انگلیسی معادل آن‌ها کار آسانی نیست» (دهباشی، ص. ۱۵۴). دیگر این که این رمان تصویر زنده، واقعی، و گویایی از وجوه عاطفی مردم ایران – اشک، لبخند، گریه، خنده، عشق، قهر، آشتی، راستی، دروغ، کلک... – عرضه می‌کند و با تصویر دیگری که غربیان، عموماً منفی، از ایرانیان دارند کاملاً متفاوت است. او از رهگذر این ترجمه می‌خواست به آن‌ها نشان دهد که مردم ایران مثل مردم تمام

1. My Uncle Napoleon

۲. تقوایی پیشتر و در سال ۱۳۵۳ نیز فیلم *خلاف‌آمد* «آرامش در حضور دیگران» را بر اساس داستان بلندی از غلامحسین ساعدی، به همین نام ساخته بود.

3. Mage Publishers

4. Random House

دنیا هستند با همان عواطف و احساسات، با همان نقاط قوت و ضعف: «چرا دایی جان ناپلئون را ترجمه کردم؟ ... چون که عاشق این رمان هستم ... البته دلایل دیگری هم بود. یکی این که تصویر اجتماع ایران در این رمان ... با تصویری که بیشتر مردم غرب دارند خیلی متفاوت است» (خزاعی فر، ص. ۲۵). در مجموع، ترجمه‌ی دیویس به متن اصلی بسیار وفادار و به گمان‌ام قرین توفیق بوده است.

۴) اسباب عارثی: اشعار کوتاه کلاسیک پارسی (۱۹۹۷). این کتاب شامل ترجمه‌ی گزیده‌ی اشعار کوتاه مانند رباعی، دوبیتی و قطعات کوتاه از قرن‌های آغازین شعر کلاسیک فارسی است که طی پنج شش سال به سامان رسیده است. وی افزون بر نگارش مقدمه‌ای جامع، در ابتدای هر بخش به معرفی مختصر شاعر مورد بحث نیز پرداخته است: «توضیح کوتاه مترجم درباره‌ی این شاعران نه تنها زمینه را برای درک بهتر اشعار آنان فراهم می‌کند، بلکه کنجکاوای بیشتری را نیز در ذهن خواننده دامن می‌زند» (تلطف، ص. ۵۷۵).

شاعرانی که دیویس برای این مجموعه برگزیده اصلاً یا چندان در دنیای انگلیسی‌زبان شناخته شده نیستند، که از آن میان می‌توان به منجیک ترمذی، ازرقی هروی، عماره‌ی مروزی، آغاجی بخارایی، مهستی گنجوی، جهان‌ملک خاتون، عایشه سمرقندی، دختر سالار، و ده‌ها شاعر دیگر اشاره کرد: «یکی از لذت‌های خواندن کتاب اسباب عارثی: اشعار کوتاه کلاسیک فارسی ترجمه‌ی دیویس اشعار برگزیده اوست که [در دنیای انگلیسی‌زبان] چندان معروف نیستند ... من فقط یک قطعه را پیدا کردم که قبلاً ترجمه شده است» (بیرد، ص. ۵۸۸). مراد قطعه‌ای از عنصری است که پیش‌تر بزل بانتینگ (۱۹۰۰-۱۹۸۵) آن را در قالب شعر آزاد ترجمه کرده، و البته آن را به رودکی نسبت داده است. شمار شاعرانی که دیویس اشعار آنان را در کتاب خود آورده، به ۶۸ تن می‌رسد. انتخاب

شکل و قالب مناسب (قالب عروضی) برای برگردان این اشعار نیز از نقاطِ قوّتِ کار دیویس است. درجِ متنِ فارسیِ اشعارِ این کتاب دوزبانه (انگلیسی-فارسی) به خط نستعلیقِ هنرمندِ خوشنویس، حسین تابناک، که نشان از خوش ذوقی ناشر دارد، بر زیبایی و وزانتِ کتاب افزوده است.

(۵) شاهنامه (۱۹۹۸-۲۰۰۴). شاهنامه، اثر جاویدانِ پیرِ هژیرِ توس، چهارمین هم‌اوردِ سترگی است که دیویس پنجه در پنجه‌ی آن افکند. وی چنان‌که پیش‌تر آمد، افزون بر «داستان سیاوش»، کتاب و مقالاتِ چندی در باب فردوسی و شعرش نوشته بود. خوشبختانه ایام وفا کرد، و دیویس در مجالی مغتنم به ترجمه‌ی شاهنامه دست یازید. این ترجمه شش سال (۱۹۹۸-۲۰۰۴) به درازا انجامید. وی در فاصله‌ی این سال‌ها کتاب را زیر عنوانِ شیر و سربر^۱ (۱۹۹۸)، پدران و پسران^۲ (۲۰۰۰)، و غروب امپراتوری^۳ (۲۰۰۴) روانه‌ی بازار کرد. سپس انتشارات وایکینگ (سال ۲۰۰۶) و انتشارات پنگوئن (سال ۲۰۰۷) آن را در یک جلد، با مقدمه‌ی آذر نفیسی، زیر عنوان شاهنامه: کتاب شاهان پارس^۴ منتشر کردند. روزنامه‌ی واشنگتن پست ترجمه‌ی شاهنامه‌ی او را به عنوان یکی از «ده کتاب برتر» سال ۲۰۰۶ معرفی کرد (فرهادی، ص. ۱۳۶).

پیش از دیویس شاهنامه، کلاً و جزئاً، بارها به نظم و نثر انگلیسی ترجمه شده بود، اما ترجمه‌ی دیویس رنگ و بوی دیگری دارد. ترجمه‌ی دیویس آمیزه‌ای از نظم و نثر است. با این‌که طبع وی هم‌اره خواهان ترجمه‌ی شعر به نظم بوده، و به گمان او برای انتقال ظرایف صوری متن اصلی باید قالب نظم را برگزید، اما ترجمه‌ی منظوم تمام شاهنامه کاری سترگ و بس آرمان‌گرایانه است. از این رو، وی شیوه‌ی نقّالی، شیوه‌ی

1. The Lion and the Throne 2. Fathers and Sons
3. Sunset of Empire 4. The Shahnameh: The Persian Book of Kings

رواج عامیانه‌ی داستان‌های شاهنامه در فارسی، را مناسب‌ترین شیوه دانست. به دو دلیل: نخست این که شاهنامه در متن فرهنگ ایرانی همیشه به منزله‌ی جُنگی از داستان‌ها، دائماً توسط نقّالان به صورت شفاهی روایت و اجرا می‌شده است. دو دیگر این که نقّالی آمیزه‌ای از نظم و نثر است، در نقّالی روایت‌ها بیشتر منثورند، اما نقاطِ اوج داستان منظوم است. به علاوه نقّالی متضمّن اشاعه‌ی روایات شاهنامه، و آشکارترین جلوه‌ی حیاتِ عام این روایات در متن فرهنگ ایرانی بوده است (دیویس، ۱۳۹۵، ص. ۳۴).

قصیدِ دیویس از ترجمه‌ی شاهنامه نه ارائه‌ی متنی برای اهل فن، بلکه عرضه‌ی آن به طیفِ وسیعی از مخاطبان عام است: «من شاهنامه را نه برای ادبا و اهل فن ترجمه نکردم که به متن اصلی، که اکنون در چاپ‌های نسبتاً خوب موجود است، دسترسی دارند، بلکه برای نسلی در آستانه‌ی انقراض - یعنی خواننده‌ی عام - ترجمه کرده‌ام» (کتاب حاضر، ص. ۱۱۳). به گفته‌ی دیویس، مترجم شاهنامه با دو مشکل عمده رو در روست: یکی حجم و دیگری موضوع. ترجمه‌ی شاهنامه به نظم کاری بسیار دشوار و زمان‌بر است، و به برآورد دیویس بیست به طول می‌انجامد. به علاوه، خواننده‌ی انگلیسی خواندن متون روایی منظوم و بلند را برنمی‌تابد: «حتی در اوج رونق منظومه‌سرایی در ادبیات انگلیسی، یعنی در قرن‌های ۱۶ و ۱۷، هیچ دیوان شعری چه در قالب مثنوی، و چه شعر سپید متجاوز از دو هزار صفحه نبوده است» (کتاب حاضر، ص ۱۱۱). از این رو بدیهی است که شعری از این دست، امروزه خواننده‌ای نخواهد داشت. و انگهی در زبان انگلیسی به دلیل نبود تمهیدات بلاغی و ذخیره‌ی واژگانی لازم برای توصیف آورد و ناورد، دست مترجم خالی است: «حماسه در معنی واقعی کلمه در ادبیات انگلیسی وجود ندارد؛ نزدیک‌ترین نمونه‌ی انگلیسی به ژانر حماسه بیوولف است، که آن هم به زبان انگلوساکسن است، نه انگلیسی، و تنها بخشی از آن حماسی است، و نمونه‌ای تمام‌عیار از این نوع ادبی به شمار نمی‌آید. در زبان انگلیسی، حماسه‌ی واقعی

بهشت گمشده‌ی جان میلتن^۱ است، که حماسه‌ای است مذهبی، نه عرفی؛ اگرچه صحنه‌های نبرد فرشتگان در آن به تقلید از آثار حماسی هومر و ویرژیل سروده شده است» (کتاب حاضر، ص. ۱۱۶).

۶) ویس و رامین (۲۰۰۸). اثر دیگری که دیویس به ترجمه‌ی آن همت گماشت ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی بود. ترجمه‌ی این کتاب چهار سال (۲۰۰۴-۲۰۰۸) طول کشید. دیویس آن رانخستین هوس‌نامه‌ی^۲ مهّم ایرانی، و یکی از درخشان‌ترین و جذاب‌ترین داستان‌های عاشقانه‌ای می‌داند که در سرتاسر جهان قرون وسطا، اعم از اسلامی و مسیحی، نوشته شده است. پیش از او، جورج مورین^۳ از روی تصحیح دکتر محجوب (۱۳۳۷/۱۹۵۹) ترجمه‌ای منثور و نه چندان وزین از کتاب عرضه کرده بود (نیویورک، ۱۹۷۲): «حاصل کار ملال‌آور است. زبان شیرین، دلنشین، و غنایی فخرالدین گرگانی، با صنایع و بدایع ادبی و ظرایف موسیقایی آن، در زبان نثر امروز انگلیسی رنگ باخته و بی‌اثر است» (پارسی‌نژاد، ۲۵). دیویس ترجمه‌ی منثور جورج مورین را چنین ارزیابی کرده: «درست است که در تفسیر بعضی ابیات با مریسن اختلاف نظر دارم، اما برخی پیشنهادهاى او را در باب [رفع] ابهامات ویس و رامین بسیار مفید می‌دانم» (دیویس، ۲۰۰۸، ص. چهل و یک). سرّ علاقه‌ی وافر دیویس را به این منظومه‌ی عاشقانه‌ی فارسی در پاسخ او به این پرسش که «شاعر یا نویسنده‌ی کلاسیک مورد علاقه‌ی شما کیست و چرا؟» و اثر محبوب‌تان کدام است؟» به نیکی می‌توان دریافت:

پاسخ این سؤال بسیار دشوار، و احتمالاً ناممکن است. آثاری که بهتر می‌شناسم طبعاً آثاری هستند که ترجمه کرده‌ام (هیچ چیز مانند

1. John Milton

2. romance

3. George Morrison

ترجمه به شناختِ یک اثر کمک نمی‌کند، البته اگر فرد کارش را درست انجام دهد) و انتخاب بین آن‌ها درست مثل این است که از پدر یا مادری بخواهی تا از بین فرزندان‌اش یکی را برگزیند. کاریس دشواری است زیرا من فقط آثاری را ترجمه می‌کنم که عاشق آن‌ها هستم (ترجمه‌ی آثاری که اندکی به آن‌ها علاقه‌مندم بی‌فایده است، به ویژه وقتی که پای آثار محبوب من در میان است). اما اگر مجبور به انتخاب یکی باشم، ویس و رامینِ فخرالدین اسعد گرگانی را برمی‌گزینم که علاقه‌ی خاصی به آن دارم. این اثر متأسفانه در خود ایران هم چندان محبوب نیست، اما برای من شعر شگرفی است، به لحاظ زیبایی و جذابیت یگانه است، و به نظرم یکی از بزرگ‌ترین داستان‌های عاشقانه‌ی جهان است. هیچ وقت مانند زمانی که اثر گرگانی را ترجمه می‌کردم به نویسنده‌ای احساس نزدیکی نکرده‌ام؛ گویی که او هراسناک‌گه‌گاه در اتاق کنار من بود، مخصوصاً وقتی که در سکوت شب سرگرم ترجمه بودم. پس از او حافظِ شگفت‌آورِ درک‌ناشدنی است — شاعری، که به تعبیر دوستی، «همیشه دست‌نیافتنی است». اگر بخواهم رابطه‌ی متفاوت خود با شعر گرگانی و حافظ را بازگویم، فکر می‌کنم گرگانی با آغوشی گرم به استقبال‌ام می‌آید، اما حافظ مدام مرا مسحورانه می‌آزارد؛ در واقع، بخشی از جذابیت شعر حافظ در این است که همان اندازه که صریح است، مبهم نیز هست. اصلاً نمی‌شود سر از کارش درآورد (کتاب حاضر، ص. ۱۴۴).

جدا از این، دیویس به خاطر دلبستگی‌اش به این اثر حتی نام رایانامه‌اش را gorgani گذاشته است. ترجمه‌ی دیویس بر اساس سه تصحیح از این شعر صورت گرفته: یکی تصحیح محمدجعفر محجوب (تهران ۱۳۳۷/۱۹۵۹)، دیگر چاپ ژاپنی به اهتمام امیکو آکادا و کوزهیکو

ماچیدا (توکيو، ۱۹۹۱) و تصحيح محمّد روشن (تهران، ۱۳۸۱/۲۰۰۳). به علاوه، وی به بهترین نسخه‌ی خطی بازمانده‌ی شعر، که در کتابخانه‌ی ملی پاریس نگهداری می‌شود، مراجعه کرده است. ترجمه‌ی دیویس از جایی شروع می‌شود که در نسخه‌های خطی عنوان آن «آغاز داستان ویس و رامین» است، و مطالب مقدّماتی پیش از آن را، که عمدتاً به تعریف و تمجید از ممدوح گرگانی و خدم و حشم او می‌پردازد، حذف کرده است. وی مطالب تمجیدآمیز بعد از پایان داستان را نیز حذف کرده است. در مواردی که چاپ‌ها با هم فرق دارند عموماً تصحيح محمّد روشن را - البته نه در همه موارد - مبنا قرار داده است.

ویس و رامین همچون دیگر منظومه‌های فارسی در قالب مثنوی است، ابیات آن تقریباً شبیه بیت پنج‌ضربی^۱ انگلیسی است که «بیت حماسی» نامیده می‌شود. از آن‌جا که در ادبیات انگلیسی از قرون وسطا به بعد بیت پنج‌ضربی ابزاری برای سرایش شعر روایی بوده، و این قالب نزدیک‌ترین قالب انگلیسی به شعر گرگانی است، دیویس برای این ترجمه از آن بهره برده است. دیویس کوشیده است هر بیت فارسی را به یک بیت انگلیسی ترجمه کند، البته نه در تمامی موارد؛ بعضی اوقات به دلیل انتقال معنی به‌ناچار یک بیت فارسی را به دو بیت انگلیسی ترجمه کرده، و در مواردی اندک دو بیت فارسی را در یک بیت انگلیسی تلخیص کرده است. افزون بر این‌ها، «برای انتقال روند معنی داستان کوشیده‌ام لحن آن را نیز عرضه کنم، خاصه وقتی که بین شخصیت‌ها گفت‌وگوهای طولانی در جریان است؛ از آن‌جا که تشبیهات و استعاره‌ها نقش به‌سزایی در انتقال فضای داستان گرگانی دارد، در ترجمه‌ی برخی از آن‌ها به زحمت افتاده‌ام. عناوین انگلیسی، به استثنای یک مورد، با عناوین موجود در متن فارسی مطابقت دارد» (دیویس، ۲۰۰۸، ص. چهل).

1. iambic pentameters

۷) موش و گربه (۲۰۰۸). موش و گربه^۱ اثری است طنزآمیز با رنگ‌مایه‌ی سیاسی منسوب به عبید زاکانی، که شمار ابیات آن در چاپ‌های مختلف فرق دارد. مثلاً در چاپ عباس اقبال و چاپ پرویز اتابکی ۹۹ بیت است، و چاپ محمدجعفر محجوب ۱۷۰ بیت. موش و گربه تاکنون، تمام و یا بخش‌هایی از آن، شش بار به انگلیسی ترجمه شده است. که به ترتیب زمانی عبارت‌اند از: ۱) ادوارد براون (۱۹۲۸)، ۲) مسعود فرزاد (۱۹۴۵)، ۳) عباس آریانپور (۱۹۷۱)، ۴) عمر شکسپیر پاوند (۱۹۷۲)، ۵) بزل بانتینگ (۲۰۰۰)، و ۶) دیک دیویس (۲۰۰۸). بررسی این ترجمه‌ها از حوصله‌ی این جستار خارج و نیازمند نوشتاری مستقل است.

ترجمه‌ی دیویس اول‌بار در سال ۲۰۰۸، توسط انتشارات لوگان الم، سپس در کتاب اخلاق‌الاشراف و سایر آثار طنزآمیز عبید زاکانی^۲ (۲۰۰۸) اثر حسن جوادی، و سرانجام در سال ۲۰۱۲ در کتاب صورعشق: حافظ، و شاعران شیراز^۳ منتشر شد. دیویس این اثر را زیر عنوان «موش و گربه و موش»، ترجمه کرده است. ترجمه‌ی وی به نظمی تندرست و استوار، و بر اساس کلیات عبید زاکانی تصحیح پرویز اتابکی صورت گرفته است. او برای این شعر قالب مناسب مثنوی، و زیرژانر حماسه‌ی بدلی^۴ را برگزید؛ که الگویی آشنا و مقبول طبع خواننده‌ی انگلیسی است. اوج طنزسرایی در ادبیات انگلستان، دوره‌ی موسوم به نوکلاسیک (۱۶۶۰-۱۷۹۸) است. در این دوره، طنز منظوم و مثنوی، ژانری غالب بود و بزرگانی مانند جان درایدن^۵، الکساندر پوپ^۶، جان اتان سویفت^۷، و سموئل جانسن^۸ از جمله سرآمدان آن بودند. ترجمه‌ی دیویس به دلیل قالب و سبک مناسب و نیز نظم شاعرانه‌ی موفقیت‌آمیز از ترجمه‌های پیشین قوی‌تر است: «[در

1. Cat and Mouser

2. The Ethics of the Aristocrats and. Other Satirical Works

3. Faces of Love: Hafez and the Poets of Shiraz 4. mock-epic

5. John Dryden 6. Alexander Pope 7. Jonathan Swift

8. Samuel Johnson

سنجه با دیگر ترجمه‌ها] ترجمه‌ام را هم دقیق‌تر و هم به شعری انگلیسی نزدیک‌تر می‌دانم. شاید این پاسخ سخنی از سر غرور به نظر برسد، اما اگر ترجمه‌ام را بهتر از سایر ترجمه‌ها نمی‌دانستم (لطفاً دقت کنید که ادعا نمی‌کنم ترجمه‌ام خوب است) هرگز آن را چاپ نمی‌کردم» (فرهادی، ص. ۱۴۰).

۸) صور عشق: حافظ، و شاعران شیراز (۲۰۱۲). آثار سه تن از شاعران دربار آل اینجو یعنی حافظ، جهان ملک خاتون، و عبید زاکانی پایان‌بخش ترجمه‌های دیویس تا به امروز است. از آن میان، ترجمه‌ی شعر جهان ملک و عبید زاکانی به مراتب آسان‌تر از ترجمه‌ی غزلیات حافظ است. این بار دیویس به غواصی در بحر موج شعر حافظ خطر کرده است؛ به امید آن که گوهری فراچنگ آرد. ناگفته پیداست که ترجمه‌ی غزلیات حافظ به زبان انگلیسی، و توسعاً به هر زبان دیگری، کاری است به‌غایت دشوار و بعضاً، به تعبیر حافظ، مصداق بارزِ گره بر باد زدن. وی در پاسخ به این پرسش که: «از میان ترجمه‌های تان کدام سخت‌ترین بوده و چرا؟» چنین می‌گوید:

شعر حافظ دشوارترین شعرها برای ترجمه است، و من در مقاله‌ی «در ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ»، که پس از انتشار تا مدت‌ها موضوع بحث بود، چرایی ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ را توضیح دادم. با وجود این، چند سال بعد بر آن شدم تا گزیده‌ای از غزلیات او را ترجمه کنم، غنای زبان، تلمیحات مکرر، ابهام لفظی و معنوی، پاشانی مضمون^۱، بازی با گونه‌های مختلف زبانی، همه در خدمت تبدیل فضای شعر به آوردگاهی برای مترجم است. و حاصل چیزی جز ناکامی نیست؛ تنها کاری که می‌توان کرد این است که، به

تعبیر بکت^۱، شکست را پیروزمندانه پذیرا شوی (کتاب حاضر، ص. ۱۵۲).

چنان‌که آمد، دیویس خود به دشواری و ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ وقوف داشته و سال‌ها پیش در مقاله‌ی رهگشا و روشنگری، «در ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ»، چنین نوشته بود:

سال‌ها پیش ناشری از من خواست که در صورت تمایل گزیده‌ای از غزلیات حافظ را به نظم ترجمه کنم. من از این پیشنهاد خیلی خوشحال شدم، زیرا از نگاه عموم، حافظ (شاعر قرن هشتم ق.) بزرگ‌ترین غزل‌سرای ایران است، و ترجمه‌ی گزیده‌ای از غزلیات او برای هر مترجم امر خطیری است و به زحمت‌اش می‌ارزد. دست به کار ترجمه‌ی چند غزل شدم، پس از حکک و اصلاح مکرر، نتیجه کاملاً نومیدکننده بود. ترجمه‌ی منظوم غزل‌های حافظ از آنچه تصور می‌کردم دشوارتر بود، همه‌ی مشکلاتی که هنگام ترجمه‌ی دیگر شاعران کلاسیک فارسی با آن‌ها مواجه شده بودم دوچندان شد، ناکامی و شکست در ترجمه‌ی غزلیات ناب حافظ سبب شد که به مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد بیندیشم (کتاب حاضر، ص. ۹۳).

شگفتا که سال‌ها پیش از دیویس، ادوارد فیتزجرالد در سایه‌ی نبوغ و شمّ شاعرانگی خود، به ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ پی برده بود، چرا که به باور او دقایق و ظرایف آوایی و معنایی شعر حافظ در ترجمه از دست می‌رود. وی در نامه‌ای به ادوارد کاول در این باب چنین نوشت: «از ... حافظ، که غزلیاتِ نابش ترجمه‌ناپذیرند حرف نمی‌زنم، زیرا او خداوندگار موسیقی کلمات است ... مطمئن‌ام آنچه تنیسن به شما گفته

— که حافظ شرقی‌ترین است، یا بهتر بود می‌گفت که پارسی‌ترین پارسیان است — کاملاً درست است» (حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵). حافظ را شرقی‌ترین و یا پارسی‌ترین پارسیان پنداشتن، اشارتی ژرف بدین نکته است که شعر رندانه‌ی خواجه عصاره‌ی فرهنگ ایرانی و زبان فارسی تا روزگار اوست. رأی صوابی که دیویس نیز با آن همدل است:

شعر برخی از شاعران را ترجمه‌ناپذیر می‌دانند، شاعرانی که روح شاعرانه‌ی ملت خویش را به ظریف‌ترین وجه ممکن بیان می‌کنند: مانند پوشکین (۱۷۹۹-۱۸۳۷) در روسیه، گوته در آلمان (۱۷۴۹-۱۸۳۲)، و حافظ (۷۲۲-۷۹۲) در ایران. شاعرانی که آثارشان هویت یک ملت را آینگی می‌کند همان‌هایی هستند که شعرشان به ترجمه تن نمی‌دهد و چه بسا این خصیصه به آثار آنان هاله‌ای از تخیل و تفاخر می‌بخشد. شعر آنان از آن‌جا که از عمیق‌ترین لایه‌های روح فرهنگ و نژاد یک ملت سر بر می‌آورد؛ به هیچ زبان دیگری قابل ترجمه نیست (کتاب حاضر، ص. ۱۰۷).

صور عشق: حافظ، و شاعران شیراز دارای مقدمه‌ای مبسوط در باب این سه شاعر و مؤخره‌ای مفید و آگاهی‌بخش است. دیویس در این کتاب ۷۴ غزل و ۵ رباعی از حافظ، ۲۲ رباعی و ۵ غزل از عبید زاکانی به همراه داستان موش و گربه، و ۳۲ غزل و ۲۷ رباعی از جهان ملک‌خاتون ترجمه کرده است. تا آن‌جا که به یاد دارم، این نخستین بار است که گزیده‌ای از اشعار جهان ملک‌خاتون به انگلیسی ترجمه شده و در اختیار دوست‌داران و علاقه‌مندان قرار گرفته است. در مجموع، صور عشق: حافظ، و شاعران شیراز که به نظمی سخته و پخته به انگلیسی درآمده، مانند سایر ترجمه‌های دیویس، در عین وفاداری و امانت‌داری، سلیس، روان و خوشخوان است.

فرجام سخن

دیک دیویس نزدیک به چهار دهه از عمر عزیز بی‌بدلی خود را بر سر تحصیل، تدریس، و ترجمه‌ی ادبیات فارسی، به ویژه ادبیات کلاسیک، گذاشته است. با آن که برف پیری بر سر او نشسته، طبع اش همچنان جوان و بالنده است. به حق باید او را مترجم خستگی‌ناپذیر ادبیات کلاسیک پارسی در روزگار ما دانست؛ به ویژه آن که ترجمه‌هایش حسن قبول نیز یافته است. از این رو، به گمان‌آم آرزوی دیرین اش به واقعیت پیوسته، و اکنون، به تعبیری که خوش می‌دارد، آرتور ویلی ادبیات پارسی است. نگارنده به عنوان یکی از خیل شیفتگان ادب کلاسیک پارسی، جهد بی‌دریغ دیویس را ارج می‌نهم و به پاس تلاش بی‌وقفه‌ی او در معرفی آن به دنیای انگلیسی‌زبان کلاه از سر برمی‌دارم، و برای ایشان در ادامه‌ی راه پرتنگنای ترجمه و غنای کارنامه‌ی درخشان اش بهترین‌ها را آرزو مندلم.

منابع

- امامی، کریم. (۱۳۸۵). از پست و بلند ترجمه، ۲ ج. تهران: نیلوفر.
- بنانی، امین. (۱۳۷۳). «حماسه و نافرمانی»، ایران‌نامه، س ۱۲، صص. ۵۶۹-۵۷۳.
- پارسی‌نژاد، ایرج. (۱۳۸۳). «از نیکلسون تا بارکس: نگاهی بر ترجمه‌های انگلیسی از ادبیات کلاسیک فارسی»، سخن عشق، صص. ۱۹-۲۵.
- تلطف، کامران. (۱۳۷۸). «نکته‌گویی و قطعه‌سرایشی: گشتی در گوشه‌های شعر کهن فارسی»، ایران‌نامه، س ۱۶، صص. ۵۶۹-۵۷۷.
- جوادی، حسن. (۱۳۸۹). «بیزل بانتینگ، شاعر انگلیسی اوایل قرن بیستم»، بخارا، س ۱۳، ش ۷۷ و ۷۸، صص. ۵۷-۷۶.
- حسینی، مصطفی. (۱۳۹۴). «آراء فیترجرالد دریاب ترجمه»، مطالعات ترجمه، س ۱۳، ش ۵۲، زمستان ۱۳۹۴، صص. ۷-۱۸.
- خرزاعی‌فر، علی. (۱۳۷۶). «مصاحبه با دیک دیویس»، مترجم، س ۶، ش ۲۳ و ۲۴، صص. ۲۱-۲۹.

دیویس، دیک. (۱۳۹۶). «ادوارد فیتزجرالد»، ترجمه‌ی مصطفی حسینی، زیر چاپ.
دهباشی، علی. (۱۳۷۴). «گفت‌وگو با دیک دیویس»، کلک، س ۶، شماره، ۶۷، صص.
۱۴۸-۱۵۶.

فرهادی، سمانه. (۱۳۹۴). «ترجمه‌ی جدید و منظوم دیک دیویس از موش و گریه‌ی عبید
زاکانی»، مترجم، س ۲۴، ش ۵۶، صص. ۱۳۵-۱۴۲.

مؤید، حشمت. (۱۳۶۴). «منطق‌الطیر عطار، ترجمه و مقدمه به قلم افخم دربندی و دیک
دیویس»، ایران‌نامه، س ۳، صص. ۵۲۹-۵۳۳.

یارشاطر، احسان. (۱۳۷۳). «حماسه و آشوب»، ایران‌شناسی، س ۵، صص. ۷۲۲-۷۲۴.

Beard, Michael (1999). "Borrowed Ware: Medieval Persian Epigrams by
Dick Davis", *Iranian Studies*, Vol. 32, No. 4, pp. 588-590.

Davis, Dick. (2008). *Vis & Ramin by Fakhraddin Gorgari*, translated from
the Persian with an introduction and notes by Dick Davis. Washington
D.C.: Mage.

FitzGerald, Edward. (1989). *Rubaiyat of Omar Khayyam*, edited with an
introduction by Dick Davis. Penguin. London.

Omidshah, Mahmoud (1993). "Epic and Sedition: The Case of Ferdowsi's
Shahnameh by Dick Davis", *British Journal of Middle Eastern Studies*,
Vol. 20, No. 2, pp. 237-243.